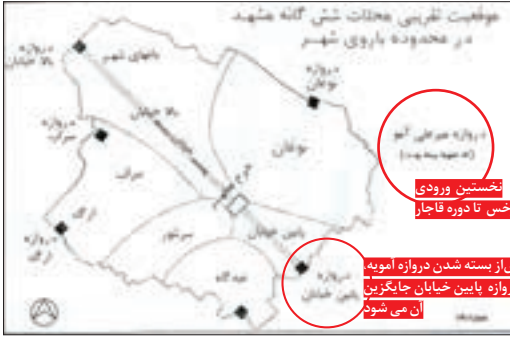


تجارت در مسیر پیشه‌های گم‌شده

سیده‌نعمه‌زینبی|خیابان سرخس که قدیمی ترین و عجیب ترین مشاغل مشهد را در دل خود جای داده، انگار از دل تاریخ بیرون آمده و نشسته است گوشه‌ای از شرق مشهد. خیابانی که ارباب از پنجره پایین‌خیابان جدا شده است، راوی تاریخ مشاغل قدیمی شهر می‌شود. کل بازماندگان مشاغل قدیمی و کهنه مشهد مانندمدبافی، گلیم‌فروشی، نخ‌تابی،دلوسازی،زنجیربافی،علافیوعصاری در این خیابان جمع هستند و هریک از صاحبان آن‌ها که سر به زمین می‌گذارند، کرکره مغازه‌شان برای همیشه پایین کشیده می‌شود و سفر آخرت آن نفر می‌شود پایانی بر آن شغل. چه کسی جای حاجی کردستانی، نسل آخر دلو سازهای مشهد، اسماعیل امکانیانمقدم. آخرین بازمانده زنجیربافی سنتی، حاجی فاضلی که هنوز به سبک سنتی، روغن از دانه جدا می‌کند و شیخ جنگل که سال‌هاست کارگاه نخ‌تابی‌اش خاموش شده است را می‌گیرد؟ هیچ‌کس! شاید هیچ منبع مکتوبی نتواند چگونگی پاگرفتن این مشاغل خاص را درکنار هم روایت کند و در این باره تاریخ شفاهی، تنها دستاویزی است که می‌توان به آن چنگ انداخت. درباره مشاغل این خیابان، پیش از این زیاد گفته شده است، ولی این بار این ویژگی خاص راه سرخس، ما را وامی‌دارد به‌سران تاریخ کهنه آن برویم و ازمیان ورق‌های کتاب و برگ‌های اسناد، راوی روزهای رفته بر آن باشیم.

دروازه آمویه، راه قدیم سرخس بود



اگر میان نقشه‌های به‌جامانده از گذشته مشهد چرخي بزنیم، از کیفیت ماندگاری این نام میان مشهدیه‌های بیشتری می‌فهمیم. در نقشه دالمج‌نخستین نقشه کامل از شهر مشهد که از عهد قاجار به یادگار مانده) نامی از این خیابان نیامده است؛ زیرا شهر مشهد در آن زمان میان باروها محصور بوده‌آن چنان که به دروازه پایین خیابان ختم می‌شده و این یعنی بیرون آن، مزارع و دشت‌ها انتظار آدم‌ها را می‌کشیده است.

ورق‌زدن کتاب‌های تاریخی اما اطلاعات تازه‌ای را رومی‌کند. در لابه‌لای سطرهای کتاب «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد»، وقتی صحبت از احداث برج و بارو برگرد این شهر می‌شود، نام سرخس هم به‌دنبالش می‌آید. شاه‌طهماسب با ساخت بارو، سبب پیدایش دروازه‌ها و محلاتی برای مشهد می‌شود؛ آن زمان چهار دروازه نوغان، سراب، عیدگاه و میرعلی‌آمو، راه‌های بیرون رفتن از شهر بودند. دروازه میرعلی‌آمو به‌سوی تبادکان و سرخس گشوده می‌شد و مردم برای پا گذاشتن در مسیر سرخس، باید خودشان را به این دروازه می‌رساندند؛ البته لازم‌به توضیح است که این دروازه (میرعلی‌آمو) در میان مشهدیه‌ها، نام نیکی نداشت و محل ورود اقوام مهاجم به مشهد بود؛ برای همین هم مردم بر این باور بودند که هرگاه این دروازه گشوده شود، فتنه‌ای در شهر به‌راه می‌افتد.

در زمان شاه‌عباس، ساخت نخستین خیابان در مشهد، دو دروازه بالاخیابان و پایین خیابان را به جمع ورودی‌های شهر افزود. این اتفاق ناخواسته باعث تغییر مسیر راه مشهد به سرخس شد. قاجارها که این باور مردم را می‌دانستند، این دروازه را مسدود کردند تا نحسی‌اش دامن ارض اقدس را نگیرد و به جای آن به دروازه پایین خیابان اعتبار بخشیدند. بسته شدن دروازه میرعلی‌آمو، راه مسافران سرخس را به‌سوی دروازه پایین نخستین کج کرد تا نخستین اثرات جاده جدید سرخس در عهد قاجار هویدا شود، پس خیابان سرخس که در زمان قاجار جاده سرخس نامیده می‌شد، از آن زمان تاکنون حیات خودش را کج دارومریز حفظ کرده است و قدمتی حدود دویست سال دارد و تا زمانی که دروازه‌ها در این شهر اعتبار داشته، این خیابان به درون شهر مشهد راه‌نیافته است.

پیش از حضور روس‌ها در شرق ایران، راه مشهد- سرخس- بخارا اهمیت زیادی برای تاجران و زائران و مشهدیه‌ها داشت و هر روز کاروان‌های پیاده و سواره زیادی از آن به شهر وارد می‌شدند. اما ناامنی این مسیر، آن را از تک‌وتا انداخت و با آمدن روس‌ها و بازگشت امنیت نیز دیگر مانند سابق رونق نگرفت؛ البته پرداختن به اهمیت این مسیر در تجارت و کاروان‌های مشهد، نیاز به‌گزارشی دیگر دارد.

نخستین بافت مسکونی خیابان مشاغل

نقشه سال۱۳۲۵ چهره کنونی جاده سرخس را برای ما رونمایی می‌کند. یک خیابان مایل‌باخیابان صفوی (پایین خیابان) از دروازه پایین خیابان شروع می‌شود. در این زمان، هنوز شهر در آن سوی باروها توسعه نیافته است و کوره‌های آجرپزی، گودا صغیرکور، گود جال و زمین‌های کشاورزی در اطراف آن خودنمایی می‌کند. در سال ۲۳ هم اگرچه دیگر خبری از دروازه‌نیست و در دیگر مناطق مشهد خیابان‌های جدید تأسیس شده و آن را به بیرون دروازه‌ها کشانده است، همچنان خندق برجای مانده



مغازه روغن گیری دستی و سنتی



مغازه مسگری



مغازه چوب‌بری



مغازه عصاری



مغازه گلیم و جاجیم فروشی

نخستین حضور مشاغل

اتفاق دیگری که ردپای آن را می‌توان در اسناد یافت، مربوط به سال ۱۳۱۷ خورشیدی است. بنا به دلایلی که نمی‌دانیم، راه سرخس در آن زمان مسدود می‌شود. در نامه‌ای که کفیل مستغلات آستان قدس در سال ۱۳۱۶ نوشته است، این اتفاق را توضیح می‌دهد: «سال گذشته (۱۳۱۵) جمعی از مستاجرین زمین‌های بیرون دروازه پایین خیابان از انسداد راه سرخس که از طرف مالیه به عمل آمده، شرحی به حضور مبارک، عرض و شکایت نموده‌اند. قرار شد مستاجرین و اشخاص ذی‌نفع، مبلغ یک هزار و پانصد ریال به مالیه تسلیم نمایند تا اتافی جهت مأمور عوارض ساخته و راهی از محوطه باز نمایند تا عبور و مرور آسان باشد». این پول را زارعان پرداختند و راه باز شد و در سال ۱۳۱۶ مجدد آن را مسدود کردند. طبق

نقش دوباره راه سرخس

نخستین پیشرفت برای راه سرخس در سال‌های ابتدایی قرن چهاردهم و در زمان محمدولی‌اسدی (استاندار و تولیت آستان قدس) رخ می‌دهد. در بهمن ۱۳۰۵ خبر روزنامه آزادی، این اتفاق را تأیید می‌کند: «چون تسعیر راه مشهد تا سرخس برای مواقع لازمه، کمال ضرورت را داشت، از طرف اداره لازمه، کمال شروع به تعمیر و شوسه‌ان نموده‌اند». راه خاکی مشهد-سرخس در این سال برای نخستین بار شوسه می‌شود تا رفت‌وآمدها در آن بهبود پیدا کند. این مسئله بدون حاشیه نیست و ردپای آن میان نامه‌نگاری آن سال‌ها شکایت زارعانی که جاده از وسط زمین‌هایشان عبور می‌کرد، دیده می‌شود؛ برای نمونه، سال ۱۳۰۷ یکی از مستاجران آستان قدس به تولیت آن زمان، از مستاجران آستان قدس نامه نوشته و خواسته است در جاده‌سازی، آن را خراب نکنند. او درباره راه سرخس نوشته است: «راهی بود که سال‌های سال عبور و مرور می‌شد و حال، این سرزمستان باید وسعت داده شود». این نامه‌ها در مرکز



اسناد آستان قدس رضوی موجود است و از متن آن‌ها می‌توان دریافت این جاده که آن زمان از دروازه پایین خیابان شروع می‌شده، به‌سوی اراضی قلعه خیابان می‌رفته و در سال ۱۳۰۵ عریض شده است.



باتوجه به این اسناد، می‌توان فهمید که نخستین تلاش برای تجاری شدن خیابان سرخس به محل بسته خورده و حدود ۲۵میل فخاری متعلق به آستان قدس در اطراف آن وجود داشته است. هیچ بعید نیست که بسیاری از مشاغل کنونی این راسته از همان زمان پا گرفته و به حیات خودشان اجازه داده باشند.

این نامه، این انسداد بر موقعیت و اجاره مستغلات آستان قدس به‌خصوص اجاره کوره‌های فخاری، اثر منفی می‌گذارد. در سال ۱۳۱۷ و درمیان همین نامه‌هاست که نخستین بار از دکان‌های واقع در طرفین جاده صحبت می‌شود. رئیس مستغلات آستان قدس در نامه‌ای به اداره حسابداری آن اداره می‌نویسد: «در اثر بسته شدن راه واردین به شهر از جاده سرخس، دکان‌کین واقع در طرفین جاده، بی‌استفاده مانده است و در نتیجه مستاجرین اراضی که برای خود دکان و غیره ساخته‌اند، آنجا را ترک [کرده‌اند] و حاضر به تجدید اجاره نیستند». طبق این نامه، بسته شدن این راه باعث شده است از ۲۵میل کوره فخاری به‌دلیل نداشتن راه حمل مصالح به شهر، حدود ۱۵ عدد آن متروک و بدون مستاجر بماند و دیگر مستاجران کوره‌ها هم حاضر نباشند اجاره‌شان را تمدید کنند.

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت نود و یکم)
مشهد ۱۵۲سال پیش، به گزارش «شیندلر» (بخش سوم)

مرضیه ترابی|صحبتان درباره محتوای گزارش «آرتور هوتوم شیندلر»، مهندس و نظامی آلمانی الاصل بود که به‌عنوان مهندس و برای توسعه شبکه تلگراف ایران، در عهد ناصرالدین شاه به کشور ما آمد. گفتیم که روایت وی از مشهد ۱۵۲ سال قبل (با وجود خلشتگی در تنظیم مطالب و بی‌دقتی در ثبت اسامی و تاریخ‌ها) از جنبه‌های مختلفی دارای اهمیت است و گاه بخش‌ها و جزئیاتی از گذشته مشهد را نشان می‌دهد که شاید در هیچ جای دیگری ثبت نشده باشد. ما در بخش‌های قبلی، گزارش شیندلر را درباره وضعیت اجتماعی و اقتصادی مشهد، تاحدودی بررسی کردیم و درباره اظهارات او در مورد مسجد شاه (مقبره امیرغیاث‌الدین ملکشاه) و پیر پالاندوز، اطلاعاتی دادیم و گفتیم که شیندلر چگونه در نوشته خود، بنای مهم و معظم مسجد گوهرشاد را نادیده گرفته است. در این قسمت، ادامه مطالب وی را بررسی می‌کنیم و به بهانه این بررسی، سعی می‌کنیم به برخی وجوه جذاب تاریخ مشهد نیز توجه کنیم.

- حرم یا «امام زاده»؟

شیندلر درباره حرم رضوی و بنای عظیم و چشم‌نواز آن می‌نویسد: «مشهد امامزاده خیلی دارد، ولی امامزاده حضرت امام رضا(ع) از همه بهتر است. این امامزاده در کل دنیا معروف است؛ چون که بسیار جای مقدسی است. نگذاشتند من داخل شوم و تماشا کنم، اما از تفصیلی که از دیگران شنیدم، باید جای خیلی قشنگ و ممتازی باشد». استفاده از واژه «امامزاده» به جای «حرم» در متن گزارش، کمی عجیب و غریب است، اما بی‌سابقه نیست. نگارنده در بررسی برخی ترجمه‌های قدیمی به زبان فارسی که توسط غیرفارسی‌زبانان صورت گرفته، چنین نمونه‌هایی را دیده است. به‌طور کلی، برخی مترجمان غیرفارسی‌زبان، بناهای مذهبی را با واژه عام «امامزاده» معادل می‌گرفتند. مترجم متن -که نام وی را نمی‌دانیم و به قول قدرت... روشنی زعفرانلو در مقدمه کتاب، «متأسفانه به زبان فارسی تسلط نداشته است» هم- در معادل یابی برای حرم، به واژه «امامزاده» بسنده کرده و نخواست است زیاد خودش را به زحمت بیندازد. بنابر این آنچه در متن وی با عنوان «امامزاده» می‌بینید، کنایه از بناهای مذهبی است که معمولاً با معماری اسلامی (شامل گنبد، مناره و دیگر اجزای مربوط این نوع از معماری) ساخته می‌شوند. نکته دیگری که در این فراز از گزارش شیندلر وجود دارد، موضوع اجازه ندادن به وی برای ورود به حرم رضوی است. این موضوع را می‌توان در روایت‌های دیگر جهانگردان اروپایی هم یافت، حتی جهانگردانی مانند تاورنیه که در دوره صفویه به ایران، سفر و گزارش‌های جالبی را درباره حرم رضوی ارائه کرده‌اند هم، قادر به بازدید از اماکن متبرکه نبوده‌اند، با این حال گاه پیش می‌آمد که در مورد برخی اروپاییان، با حکم حکومتی، استثنائاتی قائل می‌شدند. این استثنائات به‌ویژه درباره عکاسان و تصویر برداران بیشتر به چشم می‌آید؛ افرادی مانند «آنتونیو جیانوژی» و «لوئیجی پشه» که ظاهراً در مواقع خلوت یا زمانی که حرم رضوی، به‌دلالی، خالی از جمعیت بود یا تعداد افراد حاضر در آن اندک بود، فرصت تصویربرداری می‌یافتند؛ هرچند که تصاویر تهیه‌شده توسط این افراد، بیشتر از فراز دیوارها گرفته شده است و به نظر می‌رسد قانون ورود نیافتن غیرمسلمانان به حرم مطهر، به این شکل رعایت می‌شد. در دوره پهلوی، این رویه تغییر کرد و حتی عکاسان و جهانگردان خانم هم توانستند در مواقع حضور زائران، به صحن‌های حرم مطهر و مسجد گوهرشاد وارد شوند؛ به‌عنوان نمونه باید از «آنه‌ماری شوارت سنباخ»، عکاس و جهانگرد سوئیسی که در حدود سال ۱۳۱۸ خورشیدی، به مشهد سفر و از داخل فضای اماکن متبرکه، تصاویر متعددی تهیه کرد، یاد کنیم.

- معمای مصلای پایین‌خیابان

شیندلر در گزارش خود، پس از معرفی چهارده مدرسه فعال در مشهد -البته با شیوه خودش، سریع و بدون دقت در ضبط اسامی- به‌سراغ تعدادی از ابنیه تاریخی و زیرساخت‌های شهر مشهد و اطراف آن می‌رود. گزارش او درباره مصلای مشهد، جالب توجه است: «نزدیک دروازه پایین خیابان، خرابه‌ای دارد، مصلی نام و آن از سنه ۱۰۸۷ است». می‌دانیم که این بنا، طبق کتیبه مندرج در آن، سال ۱۰۸۷ قمری و در عهد شاه‌سلیمان صفوی، با همت حاجی‌ملک، معماری حاجی شجاع اصفهانی و دستور و نظارت میرزا صالح نواب‌رضوی ساخته شد تا به‌عنوان مکانی برای اقامه نمازهای عیدین (عید فطر و قربان) استفاده شود. تا پیش از آن، مردم مشهد از مصلای طرق برای امر استفاده می‌کردند، اما به‌دلالی که شاید یکی از آن‌ها بعد مسافت و ناهمواری مسیر در برخی قسمت‌ها باشد، ترجیح داده شد مصلای دیگری، با مسافت کمتر نسبت به مشهد و در فاصله نسبتاً اندکی از دروازه پایین خیابان ساخته شود. با این حال به‌نظر می‌رسد که با این کار، اقامه نماز در مصلای طرق متوقف نشد؛ چون گزارش‌هایی در تاریخ بعد از احداث مصلای مشهد، از اقامه نماز در مصلای طرق وجود دارد. به‌نظر می‌رسد هر دو مصلی، کاربری خود را حفظ کرده باشند و از هر کدام در فصل‌های مختلف استفاده می‌شده است، ترجیحاً مصلای پایین خیابان برای فصل پاییز و زمستان و مصلای طرق برای بهار و تابستان؛ البته این فقط یک فرضیه است و باید درباره‌اش تحقیق بیشتری کرد. گزارش شیندلر که حدوداً مربوط به سال ۱۲۸۸ قمری (۱۲۵۰ خورشیدی) است، خبر از خرابی مصلای پایین خیابان می‌دهد. این روایتی است که خانی‌کوف (۱ سال قبل از شیندلر) هم درباره مصلی بیان کرده است و حتی تصویری از ویرانه این مکان در کتاب وی دیده می‌شود. چرا باید مکانی مذهبی که در ایام خاص سال محل توجه مردم قرار می‌گرفت، ویران شده باشد؟ آیا این وضعیت به‌دلیل نبود متولی و موقوفه لازم برای نگهداری بنا بود یا اینکه مردم ترجیح می‌دادند نماز عیدین را در جای دیگری اقامه کنند؟ پاسخ دادن به این معما، نیاز به پژوهش بیشتری دارد و نمی‌توان بدون معطلی، جوابی برای آن یافت. شاید در یکی از قسمت‌های مشهدیات، پاسخی پذیرفتنی در این باره به شما عزیزان بدهیم.

- ماهی‌های قزل‌آل در چشمه‌گیلاس

یکی از بخش‌های جالب گزارش شیندلر، روایتی کوتاه و یک‌خطه درباره وضعیت چشمه‌گیلاس است که احتمالاً وی آن را از شخص دیگری شنیده بوده؛ چون بعید به نظر می‌رسد که خودش حوصله بررسی چنین موضوعی را داشته باشد. او می‌نویسد: «آب مشهد از چشمه‌گیلاس می‌آید و در این رودخانه، ماهی قزل‌آلای خوب پیدا می‌شود...». گزارش مربوط به وجود ماهی قزل‌آلادر چشمه‌گیلاس، تقریباً در منابع هم‌دوره گزارش شیندلر وجود ندارد و از این نظر، به احتمال زیاد، منحصر به‌فرد است، موضوعی که می‌تواند در بررسی تاریخ پرورش ماهی در مشهد و اطراف آن، محل توجه و استناد باشد و در تحقیقات، محل تأکید قرار بگیرد؛ البته وجود ماهی در قنات‌ها و چشمه‌ها، از قدیم‌الایام طبیعی بود. اما اینکه این نوع این ماهی‌ها و کیفیت آن‌ها چنین توصیف شود، تقریباً بی‌سابقه است.